

خبر

مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت متولی چه کارهایی است؟



پژوهشگر موسیقی نواحی

- یکم- ماده‌واحدہ تاسیس مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت

شورای‌عالی انقلاب فرهنگی درجلسه ۵۹۶ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۵ ماده‌واحدہ تاسیس مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت را به شرح ذیل تصویب کرد:

«ماده‌واحدہ- به‌منظور پاسداشت شأن و منزلت هنرمندان باسابقه کشور در حوزه‌های متعدد هنری و تکریم مقام آنان «مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت» وابسته به بنیاد فرهنگی و هنری رودکی تاسیس می‌شود. اساسنامه مؤسسه به تصویب شورای معین شورای‌عالی انقلاب فرهنگی خواهد رسید.»

دوم- در اساسنامه مصوب مؤسسه نیز در دو

ماده آمده است:

ماده ۲- هنرمند پیش‌کسوت به کسی اطلاق می‌شود که در یکی از حوزه‌های موسیقی، نمایش، شعر، ادبیات داستانی، سینما، معماری، هنرهای سنتی، تجسمی و خوشنویسی به خلق آثاری برجسته اشتہار و اشتغال داشته یا دارد و واجد شرایط زیر می‌باشد:

(الف) بیش از ۳۵ سال سابقه حرفه هنری.

(ب) بیش از ۶۰ سال سن.

(ج) برخورداری از حسن‌شہرت در جامعه هنری کشور و صاحب سبک ویژه.

تبصرہ- مرجع تعیین هنرمند پیش‌کسوت شورای ارزشیابی هنرمندان و شاعران کشور می‌باشد.

ماده ۳- اهداف مؤسسه عبارت است از:

۱- استفاده از تجربیات و سوابق ارزشمند فرهنگی و هنری پیش‌کسوتان در جهت کمک به بالندگی معنوی، فرهنگی، اجتماعی و علمی کشور.

۲- توسعه و تقویت روابط و انس میان آنان. سوم- در مراجعه به وب‌سایت مؤسسه به‌منظور ثبت‌نام و عضویت، شرطی قرار گرفته که نخست باید با این شرط موافق بود و آن را پذیرفت:

به استناد ماده ۲ اساسنامه مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت، مرجع تعیین هنرمند پیش‌کسوت شورای ارزشیابی هنرمندان و شاعران کشور می‌باشد. به‌این‌ترتیب هنرمندانی که در حوزه‌های موسیقی، نمایش، شعر، ادبیات داستانی، سینما، معماری، هنرهای سنتی، تجسمی و خوشنویسی فعالیت می‌نمایند دارای درجه یک هنری، سن بالای ۶۰ سال و مشمول طرح تکریم هنرمندان هستند تحت پوشش خدمات این مؤسسه قرار می‌گیرند و مجاز به ثبت‌نام می‌باشند.

حال پرسش‌هایی مطرح می‌شود که بهتر است هرچه‌زودتر به آنها پاسخ داده شود.

ابتدا باید بدانیم، عبارت درجه یک هنری را چه کسی با چه هدفی وارد ماده ۲ اساسنامه مؤسسه کرده و بر پیشانی قوانین عضویت هنرمندان در وب‌سایت قرار داده است؟

توضیح اینکه در تکمیل و تنویر پرسش نخست، ماده ۲ مندرج در متن اساسنامه عینا برگرفته از وب‌سایت معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آورده شد که این عبارت به هیچ صورتی در آن وجود ندارد! سپس روشن شود که مطابق ماده‌واحدہ مصوب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، (با منظور پاسداشت شأن و منزلت هنرمندان باسابقه کشور در حوزه‌های متعدد هنری و تکریم مقام آنان)، مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت چه وظایفی برعهده دارد؟

و باز در تکمیل پرسش پیشین، آیا ماده سوم اساسنامه مؤسسه صریحا و آشکارا ناقض ماده‌واحدہ شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نیست؟ پرسش بنیادی دیگر اینکه تشخیص اعتبار هنری یا حد و اندازه هنر موسیقی‌دانان نواحی ایران را چه کسانی، چرا و بر چه اساس و دلیل علمی یا هنری برعهده گرفته‌اند؟ (لطفا شفاف‌سازی شود).

در آخر با توجه به بخش سوم مطلب و شرطی که در وب‌سایت آورده شده، مدیرعامل محترم صندوق پیش‌کسوتان و همکارانشان چه وظیفه یا شرح وظایفی در قبال تلاش برای بهره‌مندکردن هنرمندان موسیقی نواحی ایران، از خدمات مؤسسه پیش‌کسوتان دارند و چه کارهایی کرده‌اند؟

همان هنرمندانی که عموما با وجود توانایی فوق‌العاده در موسیقی، از قدرت خواندن و نوشتن محروم مانده‌اند، اما در تمام برنامه‌ها از سوی هر مقام مسئولی به وجودشان افتخار می‌شود! و اینکه پرداخت چند کیلو قند و جای و مقداری اقلام خوراکی و گاهی کارت هدیه ۲۰۰ هزار تومانی همراه با گرفتن عکس یادگاری از موسیقی‌دانان نواحی ایران و چاپ کتابچه و نظایر آن، انجام کدام بخش از شرح وظایف مؤسسه پیش‌کسوتان است؟

شرق: سریال «پایتخت۴» به‌کارگردانی سیروس مقدم، که پس از مدت‌ها توانسته مردمی را که ساعتشان با سریال‌های تلویزیونی ترکیه‌ای جم تنظیم می‌شد، پای تلویزیون ایران بنشاند و معادله قبلی را بر هم بزند، زیر تیغ نقد منتقدان است. مردم در کوی و بزن، در هر محفل و جمعی پس از سه دوره پخش کامل این سریال و البته ۱۲،۱۰ قسمت پخش دوره جدیدش، تکه‌کلام‌های کاراکترهای این سریال را تکرار می‌کنند و هرروز در محل کار، درباره اتفاقات شب گذشته سریال حرف می‌زنند. بابا پنجعلی با بازی علیرضا خمشه، ارسطو با بازی احمد مهرانفر و نقی معمولی با بازی محسن تانبنده، محبوب‌ترین چهره‌های هر چهار دوره این سریال هستند. باین‌حال برخی منتقدان،

این سریال را متنافر با اصول طنز و متمایل به لودگی می‌دانند. رضا درستکار، منتقد سینما، روز گذشته در خبرآنلاین با انتقاد از تمامی سریال‌های مناسبتی، مشخصا درباره مجموعه «پایتخت» گفت: «پس از آغاز ماه مبارک رمضان، موفق شدم چند قسمت از برخی سریال‌ها را ببینم، ازجمله «پایتخت۴» را تماشا کردم که دقیقا شامل همان کفته‌های بالاست، یعنی به‌ نظر همان قصه و درام نیم‌بند «پایتخت» هم دیگر وجود ندارد و سازندگان کوشیده‌اند تا صرفا از طریق لودگی شخصیت‌ها یا مکررکردن برخی عبارات، سریال را سرپا نگه دارند.

این ایده‌ها تا جایی بامزه و دیدنی است، از یک جایی اعصاب بیننده را خرد می‌کنند! مثلا در قسمت‌های اول، نیم‌ساعت و بی‌هیچ دلیل دراماتیکی، یک فضای خفه و بسته (غسال‌خانه) انتخاب می‌شود لوکیشن اصلی برای این‌سو و آن‌سوکشیدن کاراکترها! این یعنی اطناب، یعنی بیهودگی! هیچ درام و داستانی در کار نیست، فقط کش‌دادن است و مفرط‌کردن. بنابراین می‌توان گفت که این موقعیت‌های نمایشی نیست که کار را خنده‌دار جلوه می‌دهد بلکه اصرار بر نوعی گویش و ادای لهجه‌ها را درآوردن و رفتن به سمت نوعی تمسخر است که صحنه را نگه می‌دارد» البته انتقاد او به همین جا ختم نشد. او در بخش دیگری از اظهارنظرهایش نکته‌ای را یادآوری کرد که درباره



جواد مجابی

جوانی تمامی حالاتی است که عمری آنها را در شعرها و مقالاتم ستودهام؛ شورویجان، عصیان، آزادی، روآپردازی، حتی لالاباگتری. آثاتی ست که آن را زینستهام در عشق، در مرگ و مبارزه و خنده و اشک. جوان‌ها با جسم جهان‌اند، عضلات پرتوان آن، دست اقتدار و پای حرکت و چشم پیدار و مغز جست‌وجوگر زمان و بیشتر از همه قلبی که از عشق آسمان را به زیر می‌کشد، امیدوارانه به زیرزوبرکردن جهان می‌اندیشد و به هنگام نومیدی در اشک و اندوه غرقه می‌گردد، می‌ایستد به بویه‌ای، می‌افتد؛ اما از بویه نمی‌افتد. دیدهای که دنیا را ساخته‌اند و در ویران‌کردنشان هم نوعی ساختن را بین! جوانی اوج طراوت زندگی است.

جای من کنارجوان‌هاست.

جوانی سپهر شعر و شور و شعور رودکی است که قصیده به قصیده از گم‌شدن آن می‌ماید، منوچهری است که می‌خواند: خوشا عاشقی خاصه وقت جوانی/ خوشا با پرچهرگان زندگانی. فخرالدین اسعد و نظامی زیباترین منظومه‌های عاشقی را در وصال و فراق‌های جوانان جوادنه کرده‌اند. فردوسی از جوانی به زنده‌کردن اساطیر و تاریخ ایران همت می‌گمارد. حافظ تا زیر نشده از میکه می‌رندی و هوسناکی بیرون نمی‌آید. خیام در گل و گیاه تازه رو، آرزوی بازگشت بدین جهان دارد، چه کسی شیدار از مولوی که باغزل‌هایش جوانی جوادن دارد و کی بی‌بروتر از سعیدی در رسوائی‌های فصل عشق و جوانی گلستانش؟ شاملو و نادرپور و فروغ از پیری هراس دارند و در شعر هاشان جوان مانده‌اند. شعر امروز ایران در این سرزمین و فرهنگ پیر رو به جوانی و پویایی دارد.

هنر

شکاف بین نظر منتقدان و مردم

«پایتخت» برهم‌زننده معادلات



سریال «پایتخت» نیز صادق است: «نکته دیگر درباره سریال‌های ایرانی، شلوغ‌بازی درآوردن و شلوغ‌بودن آنهاست. نمی‌دانم چه اصراری است برای چیدن میزانشن‌های ترکیبی و چندنفره؛ میزانشن‌هایی که فقط باعث سردرگمی و سرگیجه مخاطب می‌شود.

اینها به نظم اصرار و زیاده‌روی در حوزه‌هایی است که دلیلی موجه هم بر اثبات آن ندارند. گاهی از عهده یک میزانشن و فرم دونفره برمی‌آییم. آن‌گاه ۲۰، ۱۰ نفر مقابل دوربین با هم حرف می‌زنند. اینها ناشی اغراق و تصنع است، نه توانایی در اجرا. شنیده‌ام که برخی هم می‌گویند فلان سریال با استقبال خوب مردم مواجه شده است. حال وقتی روشن و مکانیسم مشخصی نداریم، چگونه می‌توانیم با استناد به چیزی که نداریم، چنین ادعایی کنیم؟ بالاین‌حال، حتی همان استقلال فرضی مردم هم، دلیلی برای نادیده‌گرفتن ضعف‌ها نیست و منتقد باید کار خودش را بکند. کار منتقدان، ارزشیابی و تحلیل کلی و ساختاری همین آثار و شرایط است، آنها باید از وجه فنی و هنری این مجموعه‌ها حرف بزنند». این در حالی است که برخی کامنت‌های مردم زیر انتقادات رضا درستکار، اغلب در مخالفت با

سید مجید حسینی‌زاد:

سریال پایتخت، یک سریال به‌شدت تلویزیونی است. تلویزیون یک مخاطب عام دارد که عمده این مخاطب برای سرگرمی سریال می‌بینند و می‌خواهند سریالی ببینند که برایشان تفریح باشد و با دیدنش بخندند و از آن خوششان بیاید

در کلیتش می‌بینند. الان پایتخت به‌دلیل داشتن چند حسن، مردم را به خودش جلب کرده. نخست اینکه سابقه خوب این سریال باعث شده مردم آن را پی بگیرند. مخاطب با آدم‌های این سریال نوستالژی دارد. بعد هم به‌طورکلی این دست برنامه‌هایی که حالت عامه‌پسند دارند و از نظر زیبایی‌شناسی و هنر حرفی برای گفتن ندارند، برای مردم خوشایند هستند؛ یعنی داستان و محتوا و آنچه بر مردم تأثیر می‌گذارد در یک سریال، فرق دارد با آنچه منتقد به‌خاطر آن، سریال را می‌بیند. اتفاقا سریال پایتخت، یک سریال به‌شدت

بردن و باختن یک دو، سه منزل در برابر ابدیت چه اعتبار دارد؟ گاهی جوانی سن را -با پیچ‌وخم‌های خطرآمیزش- نکوهیدهام و جوانی بینش را. -با دستاوردهای بازگشت به جوانی و عاشقی ست. قدر جوانی را در سال‌های شتابناکش نمی‌دانیم و گاهی هدرش می‌دهیم، یاد آن دوران خوش در سال‌های ناخوشایند کهولت، ما را ملول می‌دارد. جوانی چکادی ست که از کودکی به سویش شتافته و فتحش کرده‌ایم. بی‌خویش و ناهشیار روی قله ایستاده بودیم و چه می‌دانستیم که در آن ارتفاع و رفعت چه بالا گرفته‌ایم و والا هستیم؟ از چکاد فرود می‌آییم و رو به نشیب تا دشتی که شاید هم‌تراز ایام نرفتن به بالا می‌تواند بود. عشق و جوانی دو چیزست، که تا داری از آن بی‌خبری، خبردارشدن پایان آنهاست.

جای من کنارجوان‌هاست.

پیش از این گاهی جوان‌ها را نکوهیده‌ام که در شعر و لنگارند، در شناختن فرهنگ خودمان، سهل‌انگارند، بعضی از آنان در روش و منش کاهل‌اند و غافل. اینها را حتی اگر حقیقت داشته باشد علم سرق گفته نه زیان دلم. کسانی نسل پیشین را می‌ستایند و نسل پسین را انکار می‌کنند، شاید این جبران کنش نسل جوانی ست که با آمدنش آن‌ها را ترسانده و روبه فراموشی رانده است. این دعوی خندستانی را کنار بگذاریم، چه چیز خندمین‌تر از این سلسله‌مراتب چوپانی؟ ما کنار هم معنا داریم و هر یک دیگری را برپا می‌دارد و توان می‌افزاید، در یک راهپیمایی سراسری به درازای عمرمان پیش می‌رویم، کسانی بازپس می‌مانند، کسانی جلوتر می‌دوند، این راه است که اهمیت دارد و درراه‌بودن.



دوست داریم این مکان در آینده‌ای نه‌چندان دور با عنوان «هنرستان موسیقی دهلوی» به کار خود ادامه دهد». اصلانی همچنین از برپایی یک کنسرت ویژه به یاد فرامرز پایور خبر

چهره روز

باصدای علیرضا قربانی

آخرین ساخته‌های حسین علیزاده اجرای می‌شود



- محمدحسین توتونچیان از برگزاری کنسرت حسین علیزاده و علیرضا قربانی در دی‌ماه سال جاری خبر داد.

محمدحسین توتونچیان، تهیه‌کننده و مجری کنسرت، در مورد این برنامه به ایسکانیوز گفت: «این کنسرت با اجرای استاد حسین علیزاده و علیرضا قربانی و گروه هم‌آوایان و ضربان برگزار خواهد شد».

او سپس به مکان برگزاری این کنسرت اشاره کرد: «این کنسرت که کار مشترک استاد علیزاده و علیرضا قربانی است، در سالن برج میلاد برگزار خواهد شد».

توتونچیان درباره قطعاتی که در این کنسرت اجرا خواهد شد، گفت: «تمام قطعاتی که در این کنسرت اجرا خواهد شد، ساخته‌های جدید حسین علیزاده هستند که برای بار اول به اجرا درخواهند آمد».



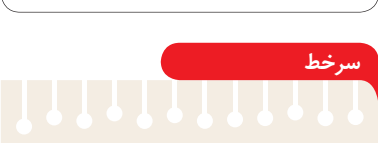
نسرین جافری درگذشت

● **شرق:** نسرین جافری، شاعر معاصر، شامگاه ششم تیرماه درگذشت و پیکر او امروز دوشنبه هشتم تیر در قطعه نام‌آوران بهشت‌زهر(اس) آرام خواهد گرفت. به گزارش ایلنا، نسرین جافری، خالق آثاری چون «زخم سایه و بید، «رمل هندسی آفتابگردان»، «نیمی از مرا کشته‌اند»، «به سمت هرگز به سوی هیچ» ششم تیرماه مصادف با دهم رمضان و در سالروز وفات حضرت‌دخیده(س) پس از یک دوره بیماری، در تهران دار فانی را وداع گفت. جافری، متولد سال ۱۳۲۹ در خرم‌آباد لرستان و از زنان شاعر تأثیرگذار دهه ۷۰ بود که اشعار و سروده‌های او در مطبوعات تهران و لرستان چاپ می‌شد. «زخم سایه و بید»، «رمل هندسی آفتابگردان»، «نیمی از مرا کشته‌اند»، «به سمت هرگز، به سوی هیچ»، «ما همچنان ترانه خواندیم» (مشترکا با نصرت‌الله مسعودی) و «خواب‌اتم» مجموعه‌های شعر منتشرشده این شاعرند.

در پی درگذشت این شاعر معاصر در شامگاه ششم تیر، هنرمندانی چون ساعد باقری و سهیل محمودی از اعضای انجمن شاعران ایران، احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران، جواد امام، مدیرعامل بنیاد باران، علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، مجتبی راعی و محمدحسین حقیقی، کارگردان، زهرا گلشن، گردآورنده کتاب نفیس عکس اربعین و جمعی از اهالی فرهنگ و هنر با حضور در خانه این شاعر، فقدان وی را به فرزندانش ازجمله «وحید موساییان»، کارگردان سینمای ایران و سایر خانواده‌های داغدار تسلیت گفتند.

آداب‌داخلی درگالری شیرین

● **شرق:** «آداب داخلی» عنوان نمایشگاهی است از یک پروژه مشترک میان هنرجویان چهار تا ۱۴ساله. در این نمایشگاه، مخاطب، بیننده نقاشی و کلاژهای هنرآموزان چهار تا ۱۴ساله‌ای خواهد بود که حاصل گردآوری «ثمین طالبی» و «ضیا نوری» هستند. این نمایشگاه تا هفدهم تیر در گالری شیرین هرروز عصر بازدیدکنندگان خود را میزبانی می‌کند تا با گستره تازه‌ای از هنرمندان نسل‌های بعد آشنا شوند. گالری شیرین در خیابان کریمخان‌زند، خیابان سنایی، کوچه سیزدهم، پلاک ۵ قرار دارد.



● **شرق:** نورکنسرت محسن یگانه از چهاردهم شهریور در سالن سترشهر تورتو در کشورکانادا برگزار می‌شود.
● **شرق:**نمایشگاه نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای شامل ۲۰ اثر ازنقاشانی مانند حسین قوللرآغاسی، فتح‌الله آغاسی، محمدمدبر، عباس بلوکی‌فرد، حسن اسماعیل‌زاده، حسین مهدانی، محمدفراهرانی و... تا ۲۶تیر درخانه هنرمندان درحال برپایی است.
● **شرق:** حسین مؤذن، سرپرست شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی شد.
● **مهر:** داستان «محاکمه»، اثرکافکا، با حضورروری کیر، بازیگر تلویزیون و سینمای انگلستان، درشهر لندن اجرا می‌شود.